

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
نویسنده: جیمز اونیل
برگردان: م. قربانی
۱۱ می ۲۰۲۲

نظم نوپدید جهانی قدرت امریکا را به نبرد فرا می خواند



شمار فراوانی از روزنامه‌های آنلاین باور دارند که جنگ در اوکراین نشانه پایان دوران چیرگی توان غرب است. برخی ادعا می‌کنند که درگیری نظامی نقطه عطفی بود که پایان رابطه با (دنیای) گذشته و آغاز واقعیت یک جغرافیای سیاسی نوین است. این نظریست سزاوار بررسی دقیق‌تر و توجه بیشتر، زیرا اگر درست باشد، به معنای پایان دوران طولانی برتری غرب در نظم جهانی است.

درگیری در اوکراین بسیار وسیع‌تر از دعوی دو همسایه است. آنچه در گزارش‌های غربی کاملاً نادیده گرفته می‌شود منشأ مشاجره است. هشت سال پیش دولت منتخب قانونی اوکراین در یک کودتا با پشتیبانی امریکا سرنگون شد. رئیس‌جمهور آن مجبور به جلا وطن شد و به جای آن رژیم به کار گذاشته شد که رکوراست سرشت فاشیستی دارد.

این وضعیت هم برای جزیره کریمه و هم برای دو منطقه دونباس قابل پذیرش نبود. کریمه یک همه‌پرسی برگزار کرد و اکثریت قریب به اتفاق جمعیت به جدائی از اوکراین و بازگشت به روسیه رأی دادند. در اینجا واژه «بازگشت» دارای اهمیت فراوان است. کریمه که برای صدها سال بخشی از روسیه بود، در سال ۱۹۵۴ بدون مشورت با مردم از سوی

خروشچف رئیس‌جمهور شوروی به اوکراین اهداء شد. در سال های ۱۸۵۰ میلادی انگلیسی‌ها (و استرالیایی‌ها) آنجا درگیر جنگ شدند.

جنگ با کریمه جنگ علیه روسیه بود و هیچ‌کس آنرا طور دیگری تلقی نکرد. بازگشت کریمه به روسیه پس از یک رأی‌گیری دموکراتیک انجام شد، که هرگز مورد قبول غرب قرار نگرفت. مقایسه آن‌چه در کریمه رخ داد و آن‌چه در سرزمین جداشده کوسوو از صربستان اتفاق افتاد، بسیار گویاست. مورد اخیر با پذیرش غرب روبه‌رو شد و اکنون به یکی از پایگاه‌های عمده نظامی غرب تبدیل شده است.

این‌که دولت اوکراین هرگز جدائی دنباس را نپذیرفت نیز به همین منوال از سوی رسانه‌های غربی نادیده گرفته شد. آن‌ها طی هشت سال گذشته علیه دو منطقه جداشده جنگیدند. حداقل ۱۶۰۰۰ نفر کشته و بیش از یک میلیون نفر مجبور به تبعید شدند.

رسانه‌های غربی که رفتار روسیه در فبروری ۲۰۲۲ را «تجاوز» به جای مداخله معرفی می‌کنند، این تاریخ را کاملاً نادیده گرفته‌اند، مداخله‌ای که بدون شک موجب توقف نقشه تجاوز به اوکراین شد تا هزاران نفر دیگر قربانی نشوند. واکنش غربی‌ها به مداخله در جنگ بسیار گویاست. همه ادعاها و باورهای غربی‌ها به «قوانین و نظم بین‌المللی»، مانع از مصادره ۳۰۰ میلیارد دلار دارائی‌های خارجی روسیه نشد. آن‌ها به هیچ‌وجه قصد بازگرداندن این پول را ندارند.

مسائل وسیع‌تر و مهم‌تری پیرامون مداخله روسیه در دونباس مطرح شده است که هفته گذشته وزیر خارجه روسیه، سرگی لاورف، در مصاحبه‌ای با رسانه‌های روسیه بیان کرد. لاورف گفت: «اهداف اقدام ویژه نظامی، پایان دادن به گسترش بی حد و مرز و تسلط بدون منازع ایالات متحده و دیگر کشورهای پیرو فرمان آن در عرصه بین‌المللی است.» لاورف همچنین توجه را به این واقعیت جلب کرد که ایالات متحده در حال توسعه سلاح‌های بیولوژیک در چندین پایگاه در اوکراین است. ممکن نیست بتوان یک توضیح صاف و ساده برای آن پیدا کرد. آن‌ها به وضوح به منظور توسعه سلاح‌های بیولوژیک و استفاده علیه روسیه ساخته می‌شدند. با این حال، وجود چنین تأسیساتی از سوی رسانه‌های غربی نادیده گرفته شده است. در عوض، آن‌ها افسانه هراس از امکان استفاده روسیه از سلاح کیمیایی را در مناقشه اوکراین ترویج و تبلیغ می‌کردند. فریبکاری در این ادعای آن‌ها هولناک است.

رسانه‌های غرب چشم خود را بر این واقعیت نیز می‌بندند، که روسیه در نگرانی‌های خود تنها نیست. روسیه نه تنها از پشتیبانی چین و هندوستان برخوردار است، بلکه اکثریت بزرگی از کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نیز نمی‌پذیرند که غرب تعیین کند چه چیز در دنیا درست است یا درست نیست.

در حقیقت آن‌چه اکنون شاهد آنیم، طرد دوران تسلط ایالات متحده از سوی اکثریت ملت‌های جهان است. بخشی از این عدم پذیرش به علت (نیاز به) استفاده ارزی غیر از دلار امریکا در تجارت بین‌المللی است. این دارای اهمیت عظیمی است. ایالات متحده از نقش دلار به عنوان ابزار اصلی برای کنترل خود بر کشورها استفاده کرده است. این دوران به سرعت به پایان خود نزدیک می‌شود.

قطع روابط اروپا با روسیه نمونه کامل یک خودشکنی است. حداقل ۴۰٪ از ملزومات انرژی اروپا به روسیه متکی است. سؤال این است که کشورهای اروپائی با تعطیلی صنایع و یخ زدن شهروندانشان تا کی به نفرت‌پرانی علیه روسیه ادامه خواهند داد. بعضی از کشورها مانند مجارستان آشکارا چنین سیاست خودخواهانه‌ای را رد و روابط خود را با روسیه محکم‌تر کردند. برخی مانند پولند آشکارا بر صدمه زدن به منافع خود پافشاری می‌کنند.

تغییر اساسی که در روابط روسیه با غرب در حال شکل‌گیری است، در مصاحبه اتحادیه اقتصادی اوراسیا با سرگی گلاژیف، اقتصاددان، به طور خلاصه بیان شده است. گلاژیف بتازگی در مصاحبه‌ای که با خبرنگار، «پیه اسکوبار»،

داشت خطوط کلی جریان تکامل نظم نوین مالی جهان را که در حال جایگزین شدن نظم دالر-محور امریکاست، توضیح می‌دهد.

گلاژیف روشن می‌کند که نظم نوین پرداخت‌های غیردالری آشکارا به منظور پایان دادن به نقش دالر در حمایت از امپریالیسم ارزی غرب، ایجاد شده است. جنگ در اوکراین این روند را تسریع می‌کند. بسیار نامحتمل است که ایالات متحده منفعلانه تضعیف نقش دالر را بپذیرد، و در واکنش به این روند خطرهای بیش‌تری برای جهان به وجود نیارد. این که روسیه کاملاً از این خطرها آگاه است، در سخنرانی طولانی پوتین در ۲۱ فبروری ۲۰۲۲ بروشنی آشکار شد. این سخنرانی واقعیاتی را که فیودور لوکیانف در مقاله مهمی که در ۱۳ اپریل ۲۰۲۲ تحت عنوان «تفکر کهنه برای کشورمان و دنیا» نوشت و در نشریه مسایل جهانی به روسی انتشار یافت، تأیید کرد. لوکیانف می‌گوید: «اجازه دهید تأکید کنیم که بحران کنونی جهان با اقدام ویژه نظامی روسیه در اوکراین شروع نشد. این بحران را خیلی پیش‌تر به دلیل عدم تمایل سرسختانه رهبران نظم لیبرالی به دست کشیدن از امتیازاتی که بعد از جنگ سرد به دست آوردند. شروع کردند»

چنین دنیایی اکنون به سرعت در حال دگرگونی است. جریان‌هایی مثل بریکس و سازمان همکاری شانگهای این دگرگونی‌ها را هدایت می‌کنند. سؤال اینست که آیا می‌توان به صورت صلح‌آمیز به این گذار دست یافت، یا این‌که ایالات متحده در تلاشی بیهوده برای بازیابی نقش برتر خود به عنوان قدرت مسلط جهان، جنگ دیگری به راه خواهد انداخت